اتفاق روز

اول اخراج شد، بعد استعفا داد

## پایان تلخ فکری

قصه محمود فکری و استقلال به پایان رسید. تنها چند ساعت از تساوی استقلال و مس در رفسنجان گذشته بود که خبر رسید فکری در ۲۴ ساعت آینده از مدیران باشگاه حکم اخراج می گیرد اما سرمربی آبی‌ها صبح دیروز با پای خودش به باشگاه رفت و پس از توافق با مدیران باشگاه از سمتش استعفا داد. با این اتفاق حالا فکری را باید بزرگ‌ترین بازنده این فصل فوتبال ایران دانست. کاپیتان سال‌های نه‌چندان دور استقلال پیش از شروع فصل رفیق نیمه‌راه نساجی شد تا ۱۶ هفته روی نیمکت تیم محبوبش بنشیند و اتفاقات تلخی را تجربه کند. از نمایش‌های ناامیدکننده یکی از پر مهره‌ترین تیم‌های تاریخ لیگ برتر گرفته تا باج دادن به کاپیتان و بزرگ‌ترهای تیم و فیکس کردن ستاره‌ای که ۱۲ روز به دلیل مشکلات مالی در تمرینات حاضر نبود. بدون شک فوتبالی‌ها جمله تاریخی «خانه‌ام را می‌فروشم تا به استقلال بیایم» را فراموش نکرده‌اند؛ جمله‌ای که ضربه‌ای مهلک به اعتبار فوتبالی فکری زد و از او یک بازنده تمام‌عیار ساخت. حالا با جدایی فکری استقلالی‌ها دنبال سرمربی جدید هستند و طبق معمول سال‌های اخیر نام‌هایی مثل قلعه‌نویی و فرهاد مجیدی بر سر زبان‌ها افتاده است. بر اساس اخبار منتشر شده در رسانه‌ها مجیدی از بیشترین شانس برای جانشینی فکری برخوردار است اما تا عصر دیروز توافقی بین طرفین صورت نگرفت. شایعه شده باشگاه گل گهر هم حاضر بوده با یک میلیارد رضایتنامه قلعه‌نویی را صادر کند تا او به تیم محبوبش برگردد. نکته مشخص در این بین بازگشت به عقب استقلالی‌ها در صورت انتخاب قلعه‌نویی و مجیدی است. قلعه‌نویی که تمام قهرمانی‌های لیگ برتری استقلال به نامش ثبت شده، در سال‌های اخیر یک مربی ناکام بوده و مجیدی هم با اتفاقات سال گذشته اعتبارش را نزد هواداران از دست داده است؛ اتفاقاتی که بعد از دربی رخ داد و در نهایت به قهرمان نشدن استقلال در جام حذفی ختم شد. با این وجود باید دید استقلال در نهایت این فصل چه سرنوشتی پیدا می‌کند. تیمی که ۶ امتیاز با صدر فاصله دارد و باید خودش را آماده رقابت در گروه مرگ لیگ قهرمانان آسیا کند.

منهای فوتبال

## جودو؛ نقطه سر خط

خبر رفع تعلیق شدن جودوی ایران در حالی از ظهر روز دوشنبه در رسانه‌ها و بیشتر فضای مجازی پیچید که خیلی زود خوشحالی این اتفاق جایش را با نگرانی آینده عوض کرد. ماجرا از استوری امیرساعد وکیل، وکیل فدراسیون جودوی ایران در پرونده شکایت از فدراسیون جهانی شروع شد که نوشت: «دیوان داوری ورزش، اقدام فدراسیون جهانی در تعلیق فدراسیون جودو را غیرقانونی دانست. تبریک به این پیروزی بزرگ حقوقی.» اما این پرونده زاویه‌های دیگری هم داشت که مختصر به آن می‌پردازیم. ساعتی بعد، آرش میراسماعیلی رییس فدراسیون جودو بیانیه‌ای را منتشر کرد که در آن «به دفاعیات حقوقی موثر ایران، از ابطال رای تعلیق جودوی ایران توسط دادگاه حکمیت ورزش خبر داده و اعلام شده بود که این پرونده به منظور بررسی بیشتر به فدراسیون جهانی جودو ارجاع داده شده است.» اشاره و حتی در عنوان بیانیه نیز بر رفع تعلیق فدراسیون جودوی ایران تاکید شده بود. پس از صحبت‌های میراسماعیلی دادگاه حکمیت ورزش هم بیانیه‌ای را صادر کرد که در آن هیچ اشاره‌ای به رفع تعلیق جودوی ایران نشده بود. تنها در قسمتی از بیانیه عنوان شد که تعلیق نامحدود جودوی ایران پایه قانونی ندارد، اما پرونده مجددا برای بررسی بیشتر به IJF (فدراسیون جهانی جودو) ارجاع داده خواهد شد، یعنی نهادی که ایران را از فعالیت تعلیق کرده بود و ما علیه آن شکایت کرده بودیم، دوباره باید به این پرونده رسیدگی کند و جودوی ایران نیز به خانه اولی که یک سال و چند ماه پیش در آن حضور داشتیم، بازگشت. حتی در رای دادگاه حکمیت ورزش، فدراسیون جودو به پرداخت پنج‌هزار فرانک سوئیس به‌عنوان جبران همکاری و هزینه‌های IJF محکوم شده است. اتفاقی که اگر با برتری مادر دادگاه حکمیت ورزش همراه بود، باید از طرف فدراسیون جهانی جودو به‌عنوان هزینه خسارت به فدراسیون جودوی ایران پرداخت می‌شد. فدراسیون جهانی هم اعلام کرده است که کمیته انضباطی این نهاد این موضوع را بررسی خواهد کرد.

سیدجلال، وریا و یک تفاوت بزرگ

# داستان دو کاپیتان!

**وقتی پس از پایان دربی رفت، محمود فکری پشت میکروفن تلویزیون برای قرمزها کری می‌خواند، هواداران استقلال فکرش را هم نمی‌کردند تیم محبوب‌شان در پایان هفته شانزدهم، ۶ امتیاز کم‌تر از حریف داشته باشد. حالا فکری از آبی‌پوشان جدا شده اما نمی‌توان همه مشکلات استقلال را هم به این مربی نسبت داد. به نظر می‌رسد در پرسپولیس، فاکتور مهمی وجود دارد که در تیم آبی پایتخت دیده نمی‌شود. کاپیتانی که یک تنه بار تیم را به دوش می‌کشد و در حساس‌ترین لحظات، دست تیم را می‌گیرد. اتفاقی که کاپیتان آبی‌ها تا امروز از پس انجام دادنش برنیامده است.**

آریا رهنورد

پر کردن جای خالی شجاع خلیل‌زاده، تنها مسئولیت مهم سیدجلال حسینی در این فصل نبوده است. او نه‌تنها جای شجاع را به خوبی پر کرده، بلکه حتی توانسته جایگزین مناسبی برای عیسی آل کثیر در خط حمله باشد! خیلی از مدافعان میانی، روی زدن ضربات سر تبحر دارند اما سیدجلال این هفته نشان داد که حتی روی زمین هم می‌تواند برای تیمش گل‌زنی کند. کاپیتان قرمزها تا این هفته از لیگ برتر چهار گل به ثمر رسانده است. او پس از احمد نوراللهی، دومین گل‌زن برتر تیم به شمار می‌رود. جالب اینکه از بین چهار گل این فصل سید، سه گل بسیار حساس و تعیین‌کننده بودند. او تا این هفته از لیگ برتر سه گل سه امتیازی به ثمر رسانده و عملا ۹ امتیاز را یک تنه برای تیم یحیی جمع کرده است. همه این اتفاق‌ها در شرایطی رخ داده که سید بیشتر هفته‌های فصل گذشته را روی نیمکت بوده است. در حقیقت او پس از یک دوره نیمکت‌نشینی نسبتا طولانی، آمادگی‌اش را به بهترین شکل حفظ کرده و دست به کاری زده تا نگرانی تیم یحیی در فاز دفاعی و حتی هجومی در این فصل، به حداقل برسد. پرسپولیسی‌ها مشکلات خاص خودشان را دارند. مسائل مالی باشگاه هنوز برای مهره‌های تیم آزاردهنده به نظر می‌رسد و با وجود رسیدن به دو فینال آسیا در سه سال گذشته، آنها همچنان به یک باشگاه متمول تبدیل نشده‌اند. پنجره نقل‌وانتقالات باشگاه نیز همچنان بسته است. با این حال در اردوی این تیم، خبری از «سرماخوردگی» و قهر نیست و همه در کنار هم، برای رسیدن به پنجمین قهرمانی مبارزه می‌کنند. سیدجلال، یکی از دلایل کلیدی انسجام پرسپولیس است. بدون تردید هر بازیکنی که تلاش او را در زمین مسابقه تماشا می‌کند، انگیزه بیشتری برای درخشیدن در این تیم به‌دست می‌آورد.

نقشی که سیدجلال در پرسپولیس بازی می‌کند، به ندرت در تیم‌های دیگر لیگ برتری دیده می‌شود. به شکل مستقیم می‌توان به استقلال اشاره کرد که عملا چنین تکیه‌گاهی در ترکیبش ندارد. «وریا غفوری» به لحاظ فنی فوتبالیست درجه یکی به شمار می‌رود اما هنوز نمی‌تواند نقش یک «رهبر» را برای تیم بازی کند. او که ناگهان در میانه‌های یک مسابقه خانگی قهر می‌کند و از استادیوم بیرون می‌رود، نمی‌تواند در سخت‌ترین روزها استقلال را به جلو هدایت کند. بحث قرارداد وریا و مشکلات او با باشگاه، همیشه داغ است و این موضوع، روی تمرکز تیم و خود او تاثیر قابل توجهی دارد. به نظر می‌رسد این ستاره خیلی زود کنترلش را از دست می‌دهد و حتی اگر برای چند دقیقه یک پاس ایده‌آل دریافت نکند، می‌تواند هر رفتاری را از خودش نشان بدهد. وریا در مورد جزئی‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی اظهارنظر می‌کند و این حق طبیعی اوست اما نکته عجیب اینجاست که وقتی نوبت به اظهارنظرهای کلیدی در مورد استقلال می‌شود، دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند اثری از او پیدا کند. همه می‌دانند موضع کاپیتان استقلال در قبال مسائل روز کشور چیست اما هیچ‌کس نمی‌داند که او چه موضعی در مورد محمود فکری و اتفاقات درون باشگاه دارد. هیچ‌کس نمی‌داند او به عنوان کاپیتان، چقدر موافق کنار رفتن این مربی و بازگشت احتمالی فرهاد مجیدی است. شاید بخش مهمی از تفاوت‌های پرسپولیس و استقلال، به همین دو نفر برمی‌گردد. به سیدجلال که در حوالی ۴۰ سالگی از تک تک ذره‌های رمق باقی‌مانده در ساق‌هایش برای درخشش هرچه بیشتر تیم بهره می‌برد تا وریا که در این فصل تنها سایه‌ای از خودش را در زمین مسابقه به‌نمایش گذاشته است.

**نقشی که سیدجلال در پرسپولیس بازی می‌کند، به ندرت در تیم‌های دیگر لیگ برتری دیده می‌شود. به شکل مستقیم می‌توان به استقلال اشاره کرد که عملا چنین تکیه‌گاهی در ترکیبش ندارد. «وریا غفوری» به لحاظ فنی فوتبالیست درجه یکی به شمار می‌رود اما هنوز نمی‌تواند نقش یک «رهبر» را برای تیم بازی کند**

این یک اصطلاح قدیمی در فوتبال است که «تیم‌ها، شبیه کاپیتان‌شان می‌شوند!» نگاهی گذرا به وضعیت این روزهای استقلال و پرسپولیس، می‌تواند این واقعیت را به اثبات برساند. پرسپولیس لیگ بیستم، درست مثل سیدجلال حسینی بوده است. محکم، مقتدر و تسلیم‌نشدنی. حتی وقتی که اوضاع خوب پیش نرفته و تیم شرایط ناخوشایندی را تجربه کرده، همه نفرات تیم پشت هم ایستاده‌اند تا روزهای خوب دوباره از راه برسند و صدر جدول لیگ برتر، باز هم قرمز شود. استقلال هم در این فصل، شباهت زیادی به وریا غفوری داشته. تیمی که در مقاطعی جذاب نشان داده و اسم ترسناکی برای رقبا ساخته اما در مجموع، همه هوش و حواسش را به موفقیت ندوخته است. وریا برای قهرمان شدن در لیگ برتر با استقلال، تا ابد زمان ندارد. اگر او می‌خواهد که این کار مهم را انجام بدهد، باید در برخی از رفتارهایش تجدیدنظر کند.

چهره به چهره

۱۳ خرید ناامیدکننده لیگ برتر بیستم

# من خود آن سیزدهم!

آریا طاری

فصل نقل و انتقالات لیگ برتر دوباره از راه رسیده و تیم‌ها در حال تقویت خودشان برای نیم‌فصل دوم هستند. مرور خریدهای مهم نیم‌فصل اول اما نشان می‌دهد که بسیاری از ستاره‌ها نتوانسته‌اند انتظارات هواداران تیم‌های مختلف را برآورده کنند. به محض رقم خوردن یک انتقال، نمی‌توان در مورد سرنوشت آن انتقال مطمئن بود. در همین فصل، بسیاری از خریدهای گرانقیمت و ظاهرا مهم تیم‌ها، اصلا نتوانسته‌اند خودی نشان بدهند. درست برخلاف ستاره‌هایی که انتقال‌شان به باشگاه جدید، هیاهوی کم‌تر اما تاثیرات مثبت عمیق‌تری داشته است.

**آرمان رمضانی**

پیوستن به پرسپولیس می‌توانست یک رویای بزرگ برای آرمان باشد اما عملا به یک کابوس جدی برای او تبدیل شده است. او که این اواخر در سایپا هم درخشش خاصی نداشت و به نیمکت منتقل شده بود، ناگهان این فرصت را به دست آورد که در لیگ قهرمانان آسیا به میدان برود. در آن رقابت‌ها عیسی آل کثیر فوق‌العاده ظاهر شد و مهدی عبدی هم مطمئن نشان داد. به نظر می‌رسید آرمان به نیمکت تیم دوخته خواهد شد اما محرومیت آل کثیر، این فرصت را به او داد تا حداقل در لیگ برتر، فرصت خوبی برای بازی به دست بیاورد. رمضانی اما نتوانست از این فرصت به خوبی استفاده کند. او با موقعیت‌هایی که از دست داد، به شدت تحت فشار قرار گرفت و نتوانست با این فشار کنار بیاید. محرومیت عیسی به زودی تمام می‌شود و اگر قرمزها مغانلو را نیز جذب کنند، به نظر می‌رسد رمضانی باید به سراغ یک تیم جدید برای خودش برود. بعید است که او دیگر فرصت خاصی برای بازی در تیم یحیی به دست بیاورد.

**محمد نادری**

عملکرد فنی نادری در این فصل، افتضاح نبوده اما از پرسروصداترین خرید این فصل، انتظار بیشتری وجود داشته است. هوادارانی که او را با هرویه میلیچ مقایسه می‌کنند، به هیچ وجه از نمایش‌اش در سمت چپ خط دفاعی استقلال راضی به نظر نمی‌رسند. نادری تا این هفته، خودی نشان نداده و یک ستاره نبوده است. او با تصمیم ترک پرسپولیس و پیوستن به استقلال، دست به یک انتحار بزرگ زد اما این انتحار تا امروز، اصلا نتیجه نداده است. او از یک منطقه امن جدا شد و خودش را به چالش کشید اما نتوانست به خوبی از پس این چالش بزرگ بربیاید. او البته هنوز این فرصت را دارد که بین خودش و این کابوس، فاصله ایجاد کند.

**مهدی مهدی‌خانی**

اینکه پرسپولیس ماه‌ها پس از جذب مهدی‌خانی، همچنان به دنبال یک مهره هجومی است، به خودی خود نشان می‌دهد که عملکرد این بازیکن در تیم یحیی اصلا مطلوب نبوده است. مهدی در قامت یک لژیونر به این باشگاه اضافه شد و پیراهن شماره ۹ را نیز تحویل گرفت اما تا امروز عملا هیچ حرکت مثبتی از او در پرسپولیس دیده نشده است. شاگرد سابق یحیی در شهرخودرو، پس از ترک لیگ ایران به فوتبال کرواسی رفت اما ظاهرا بازی در کرواسی، نتوانسته پیشرفت مهدی‌خانی را رقم بزند. بعید به نظر می‌رسد با این نمایش‌ها او در پایان لیگ بیستم در پرسپولیس دوام بیاورد.

**بابک مرادی**

بابک از همان ابتدا هم در حدود اندازه‌های باشگاه استقلال به نظر نمی‌رسید. مهاجم سابق ماشین‌سازی در شروع لیگ بیستم پیراهن آبی را بر تن کرد اما انتظار اینکه او به یک ستاره تبدیل شود، انتظاری بیش از حد بود. بابک نهایتا می‌تواند در تیم‌های متوسط خودی نشان بدهد اما بازی برای باشگاهی مثل استقلال، تجربه‌ای فوق‌العاده سخت و نفس‌گیر محسوب می‌شود. مرادی در این فصل روی یک گل استقلال تاثیر مثبتی گذاشته اما در کورس قهرمانی، آبی‌ها به نفرات به مراتب مهم‌تری نیاز دارند.

**شاهین طاهرخانی**

فاصله مذاکره با پرسپولیس و قرار گرفتن در فهرست مازاد باشگاه پیکان برای شاهین، کم‌تر از چند ماه بود. او پس از ترک اجباری استقلال، مورد توجه پرسپولیس قرار گرفت اما برای این تیم، شرط‌های متعددی گذاشت و همین موضوع، روند مذاکره را متوقف کرد. طاهرخانی به پیکان ملحق شد اما نتوانست جایی در ترکیب اصلی این تیم به دست بیاورد و سرانجام در نیم‌فصل در فهرست مازاد مهدی تارتار قرار گرفت. بازیکنی که می‌توانست مسیر پیشرفت را به سرعت طی کند، به همین راحتی خودش را از موقعیت‌های ویژه محروم کرد.

**مهدی شریفی**

مهم نیست چقدر جست‌وجو کنید، شما دیگر تحت هیچ شرایطی مهدی شریفی سپاهان را پیدا نخواهید کرد. معلوم نیست چه اتفاقی برای این بازیکن رخ داده که دوران اوجش تا این اندازه کوتاه بوده است. مهدی در ادامه عوض کردن تیم‌هایش این بار به پیکان رفت اما در این باشگاه هم موفقیت چندانی نداشت. شریفی تلاش زیادی به خرج داده تا دوباره به روزهای خوب دوران فوتبالش برگردد اما ظاهرا قرار نیست این اتفاق برای او رخ بدهد و این مهاجم دوباره به یک ستاره تمام‌عیار در لیگ برتر تبدیل شود. مهدی استعداد بسیار زیادی دارد اما نتوانسته با همان سرعتی که انتظار می‌رفته، پیشرفت کند.

**سعید واسعی**

تراکتوری‌ها برای خرید سعید واسعی، هزینه زیادی انجام دادند اما حاضر نشدند رضایت باشگاه پیکان را جلب کنند. همین اتفاق کافی بود تا این بازیکن برای مدت چهار ماه از فعالیت‌های فوتبالی محروم شود. او فصل فاجعه‌باری را پشت سر گذاشته و لیگ برتر را از بیرون تماشا کرده است. سعید همین حالا نیز از استقلال پیشنهاد جدی دارد اما باشگاه تراکتور با جدایی این بازیکن مخالف است و نمی‌خواهد به راحتی او را از دست بدهد.

**علی دشتی**

او که در استقلال دوران خوبی را پشت سر نگذاشته بود، در فهرست خریدهای رحمان رضایی برای باشگاه ذوب‌آهن قرار گرفت. دشتی اما در ذوب هم خودی نشان نداد تا در نیم‌فصل راهی باشگاه گل گهر شود. اگر در گل گهر هم در روی همین پاشنه بچرخد، بعید به نظر می‌رسد علی دشتی شانس چندانی برای یک انتقال خوب دیگر در لیگ برتر به دست بیاورد. او تا پیش از ملحق شدن به استقلال، یک ستاره به شمار می‌رفت اما پس از آن، دیگر مثل سابق خودی نشان نداد.

**میلاد جهانی**

ذوبی‌ها میلاد جهانی را به عنوان بهترین پاسور فصل گذشته تحویل گرفتند اما نمایش این بازیکن به هیچ وجه در حد و اندازه‌های عملکرد فصل گذشته‌اش نبود. میلاد در آبادان آرامش زیادی داشت و خیلی راحت فوتبال بازی می‌کرد اما نتوانست این آرامش را با خودش به ذوب آهن ببرد. شاید اگر جهانی کمی بیشتر می‌درخشید، ذوب هم فصل به مراتب بهتری را پشت سر می‌گذاشت اما حقیقت آن است که ذوبی‌ها نتوانستند بازی دلخواه‌شان را از میلاد جهانی بگیرند.

**محمدرضا خلعتبری**

با نظر محرم نوید کیا، دوباره به سپاهان برگشت اما در این تیم، بیشتر یک مهره نیمکت‌نشین بود. خلعت دیگر بهترین روزهای دوران بازی را پشت سر گذاشته و بعید به نظر می‌رسد بتواند در این سطح در یک باشگاه مدعی قهرمانی بدرخشد. این اواخر حتی زمزمه‌هایی درباره خروج احتمالی او از تیم در نیم‌فصل به گوش می‌رسد.

**علیرضا حقیقی**

شروع علیرضا در سیرجان فوق‌العاده بود اما از یک جایی به بعد، او به یکی از نقاط ضعف تیم تبدیل شد. گلری که این فصل با اوت دستی نادر محمدی هم گل خورده، طبیعتا نمی‌تواند امتیاز بالایی دریافت کند. علیرضا در هفته‌های آخر نیم‌فصل اول با تصمیم امیر قلعه‌نویی جایی در فهرست‌های ۱۸ نفره باشگاه گل گهر نیز نداشت و مهرداد بشاگردی درون دروازه تیم قرار می‌گرفت.

**آرش افشین**

با خریدهایی مثل آرش افشین، حال و روز نساجی اصلا خوشایند به نظر نمی‌رسد. این باشگاه عملکرد خوبی در پنجره نقل‌وانتقالات تابستانی نداشته و حالا یکی از گزینه‌های جدی سقوط به شمار می‌رود. آرش هم همانند چند سال گذشته، شباهتی به یک ستاره ندارد و در عرضه مدلینگ، درخشان‌تر ظاهر می‌شود.

**محمد بلبلی**

محرومیت طولانی‌مدت بلبلی از فوتبال، انگار او را دچار تغییر بزرگ کرده است. بلبلی در استقلال ندرخشید و حالا حتی در نفت مسجدسلیمان هم یک ستاره نیست. خیلی‌ها انتظار داشتند او در نفت، گل‌های زیادی به ثمر برساند اما این فوتبالیست، نتوانسته در این تیم بدرخشد و روزهای چندان موفقی را سپری کند.